

بسم الله الرحمن الرحيم

زن یا نا-مرد، مساله این است؛

بازاندیشی هویت زن در اسلام و فمینیسم

مدعا: زن (در غرب؛ فمینیسم: موج اول و دوم، و موج سوم، غیر از خانواده‌گرا) به مثابه «نا-مرد» (Pseudo-man) است

الف) سوالات اصلی فمینیسم چیست: (مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن؛ جرج ریتزر)

۱. درباره زن چه تصویری داریم؟ = زنان در کجا هستند؟ اگر نیستند، چرا؟ و اگر هستند، آن موقعیت را چگونه تجربه می‌کنند؟

۲. چرا وضع این گونه است؟ و ۳. چگونه جهان اجتماعی را تغییر دهیم که عادلانه شود؟

اما این سوال مسیر را به بیراهه کشانده: سوال مقدمی هست:

ب) درباره انسان چه تصویری داریم؟

ب.۱) تصویری مردانه یا زنانه؟ (الگوی ما در مورد انسان، مرد بوده یا زن؟)

اینکه سوال «درباره زن چه تصویری داریم؟» تبدیل می‌شود به سوال «زنان در کدام موقعیت اجتماعی» هستند یعنی الگوی آنها از انسان مرد بوده است:

غرب	اسلام
زنان را از خانه به خیابان ببرد.	مردان را از خیابان به خانه ببرد
جامعه عرصه تنازع بقاست	خانواده عرصه همیاری و شکوفایی است
قانون اصلی عدالت است و تعیین حد و مرز	قانون اصلی مودت و رحمت (عشق) و برداشتن حد و مرز
زنان با مردان برابر شوند: الگوی کارگر و کارفرما	مردان هم با هم برادر شوند: الگوی روابط خانوادگی
مساله اصلی: آزادی زن و تساوی او با مرد	مساله اصلی: تفاوت خانواده با سازمانهای اجتماعی

ب.۲) تصویری حیوانی یا متعالی؟

تحلیل در ساحت غریزه و منفعت‌طلبی	تحلیل در ساحت فطرت و کمال‌طلبی
داشتن (دارایی، مالکیت، شهرت، لذت)	بودن (کمالات، معنویت، شکوفایی)
کار به مثابه کسب درآمد (هویت در گروه سرمایه)	کار به مثابه خودشکوفایی (هویت در گروه هنرمندی)
عرصه رقابت و تنازع بقا (اصالت مرگ: خودکشی)	عرصه اخوت و سبقت در خیرات (اصالت حیات طیبه)

ج) زن و مرد، کدامشان در حالت اولیه به افق فطرت نزدیکتر است، کدام به افق غریزه؟

ج.۱) تفاوت افق رابطه جنسی نزد زن (عاطفه) و مرد (غریزه)

ج.۲) سوره نساء / الله أو الرحمن / حی قیوم / یا علیم و قدیر؟

د) الگوی غربی و شرقی (اسلامی) از انسان:

الگوی مرد	الگوی زن
اهمیت انسان در گروی عقل و اراده	اهمیت انسان در گروی عشق و رحمت
علم و قدرت؛ علم در خدمت سلطه [بر آدم و عالم]	عشق و رحمت
عقلانیت ابزاری، حسابگری، نظریه استخدام	معرفت شهودی و شعری، ایثار و جذابیت
مدیریت از طریق کنترل و اعمال زور	مدیریت از طریق ولایت و بصیرت
علم = متخصص (شغل، کسب درآمد)	علم = عارف
قدرت = ریاست (انسان گرگ انسان است؛ فسادآور)	قدرت = ولایت (امام از مادر مهربانتر است؛ مقتدر مظلوم)

ه) کلیدواژه «زن مطلوب»

در فمینیسم: آزادی زن و برابری او با مرد (تحلیل در جامعه): استعاره «مرد»؛ یا به تعبیر بهتر: «نا-مرد» (Pseudo-man) در اسلام: اصالت خانواده: استعاره «مادر» (فقط صاحب فرزند نیست؛ بلکه مثلاً «ام اییها» - حضرت زهرا س کانون اهل بیت، با اینکه بقیه پیامبر و اماماند: هم فاطمه و ابوها و بعلها و بنوها- البته استقرار مفهوم «مادر» نیازمند جدی گرفتن خانواده است) اکنون اگر زن، الگوی مفهومی انسان باشد، آنگاه «مادر» موقعیت انسان در خانه (خانواده) است؛ آنگاه به جای اینکه برای سوال «چه تصویری از زن داریم» به سراغ «موقعیت اجتماعی زن» برویم؛ باید مرد را هم باید به خانه برگردانیم و سوال «چه تصویری از مرد داریم» را در «موقعیت خانوادگی مرد» جواب دهیم: مرد به مثابه «برادر»؛ «انما المومنون اخوة»: روابط عاطفی بر عقل محاسبه گر مقدم است. چرا فمینیسم زن را به مثابه «نا-مرد» بازسازی می کند: چون در الگوی غربی، اگر زن «سرمایه» نداشته باشد، هویت ندارد. (مفهوم سرمایه: مارکس: سرمایه اقتصادی - بوردیو: سرمایه اجتماعی؛ سرمایه جنسی به مثابه سرمایه اجتماعی: سهولت استخدام زنان) پس باید «زن» را به مثابه «مادر» بازخوانی کنیم، نه به مثابه «نا-مرد» = جایگزین مرد

نه به مثابه «کنیز» = در غرب: کالای جنسی ؛ در برخی جوامع سنتی: کُلفت، زیردست مطیع و بی اراده

نه حتی به مثابه «معشوقه» = از همه لذت ببرد؛ همه از او لذت ببرند (غریزه-کالا) (یا «زوجه غربی»: غریزه-کالای انحصاری)

[در افق معشوقه و زوجه غربی، رابطه جنسی مهم است (تطورات مفهوم «love»); اما در افق مادر، رحمت مهم است]